

شیوه شیراز مکتب ترکمان

یعقوب آژند*

استاد دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۲/۹)



ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

چکیده

در این مقاله فرضیه بر این بود که شیوه شیراز مکتب ترکمان از عناصر هنری مکتب شیراز (به ویژه تذهیب آن) و مکتب هرات (به ویژه عنصر رنگ بندی و ترکیب بندی آن) و مکتب ترکمان (به خصوص فضابندی امکانات زیستی و طبیعت گرای آن) پدید آمد و با انتقال به تبریز و در آمیختگی آن با شیوه تبریز مکتب ترکمان، زمینه را برای پدیداری مکتب تبریز صفوی فراهم کرد. شیوه شیراز مکتب ترکمان در دو مرحله زمانی شکل گرفت. یکی دوره هفت ساله پیربوداق قراقویونلو بود که از امکانات هنری دوره ابراهیم سلطان و نیز هنرمندان مکتب هرات بهره گرفت. پس از برافتادن حکومت پیربوداق در شیراز، مرحله دوم این شیوه در حکومت هفت ساله سلطان خلیل آق قویونلو شروع شد و وی با بهره‌گیری از بنیه انسانی هنری دوره پیربوداق قراقویونلو به حمایت هنرها و هنرمندان پرداخت و شیوه شیراز مکتب ترکمان را به اوج کمال هنری خود رساند. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش تحقیق استقرایی مبتنی بر وصف (چیستی) ارزیابی (چگونگی) و تحلیل (چرایی) و نقادی علمی مضمدر مسامات یافته‌ها و داده‌ها، شیوه شیراز مکتب ترکمان فحص و تتبع شد و نتیجه حاصله پاسخگوی سوالات برآمده از فرضیه گردید.

واژه‌های کلیدی

پیربوداق، سلطان خلیل، کومرال، شیخی، درویش محمد، شیخ محمود هروی.

مقدمه

الف. پیشینه تاریخی

در قرن هشتم هجری، دو گروه از ترکمانان یعنی قراقویونلوها و آق قویونلوها که با نظام عشیرتی در آناتولی و در بین سرحدات تیموری و عثمانی (بین النهرین شمالی و شامات) می‌زیستند، به تدریج وارد صحنه نظامی و سیاسی منطقه شدند. قراقویونلوها پیش‌تر جزو فرودستان آل جلایر بودند. قرايوسف سرکرده آنها، با سلطان احمد جلایر نخست متحد شد و بین خانواده او سلطان احمد جلایر، ارتباط سببی برقرار گردید. ولی بعدها با امر او راه مخالفت در پیش گرفت و در نهایت سلطان احمد جلایر را به قتل رساند (۸۱۳ هـ.). و بغداد را به تصرف خود درآورد. قرامحمد فرزند او در سال‌های ۸۱۳-۸۳۶ هـ. در بغداد حکومت کرد. جهان‌شاه فرزند دیگر قرايوسف تا سال ۸۳۹ هـ. در بغداد قدرت داشت و سپس تبریز را تختگاه خود قرار داد. او از ضعف قدرت مرکزی تیموریان استفاده کرد و اصفهان و فارس و خوزستان را نیز تحت تصرف درآورد و در سال ۸۶۲ هـ. وارد هرات شد. پیربوداق، فرزند او، که در سال ۸۵۷ هـ. حاکم شیراز شده بود، به یاری پدرش در هرات شتافت. جهان‌شاه مدت کوتاهی در هرات اقامت گزید و در نهایت به دلیل مشکلات موجود در آذربایجان، به تختگاه خود برگشت. پیربوداق هم به شیراز آمد و دم از مخالفت با پدر زد. جهان‌شاه او را به بغداد فراخواند و او در حوالی سال ۸۷۱ هـ. در بغداد به قتل رسید. خود جهان‌شاه هم گرفتار رقابت اوزون حسن آق قویونلو شد و به دست او به قتل رسید و اوزون حسن آق قویونلو قدرت منطقه را در اختیار گرفت و از سال ۸۵۷ هـ. تا سال ۸۸۲ هـ. حکومت کرد. یکی از فرزندان او یعنی سلطان خلیل از سال ۸۸۳ تا ۸۸۴ به جای پدر نشست. او با شورش برادرش به قتل رسید و سلطان یعقوب، فرزند دیگر اوزون حسن به قدرت رسید و از سال ۸۸۴ تا ۸۹۶ هـ. حکومت کرد. چندی برنیامد که صفویان در منطقه قدرت گرفتند و شاه اسماعیل با ازبین بردن آخرین بقایای آق قویونلوها، تبریز را در سال ۹۰۶ هـ. به تصرف درآورد و سلطنت صفویان را ثبت تاریخ کرد.

ب. پیشینه هنری و فرهنگی

آن تحول هنری که در دوره آل جلایر در تبریز و بغداد شروع شده و شکل گرفته بود، در دوره ترکمان نیز ادامه یافت که شاخه‌ای از آن در شیراز رشد کرد و شیوه‌ای پدید آورد که خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود را داشت و تا روی کار آمدن صفویان برقرار بود و در تحول مکتب نگارگری صفوی تأثیری چشمگیر داشت. هنگامی که شاهرخ در سال ۸۰۷ هـ. از موضع قدرت، براریکه سلطنت تیموری تکیه زد و هرات را تختگاه خود قرار داد، برادرزاده او، اسکندرسلطان، در اصفهان و فارس حکومت داشت. او از همان ابتدای حکومت، خود را یوری مفید برای هنرها نشان داد و این رویکرد وی، شماری از هنرمندان را به دربار او در شیراز کشاند. طوری که شیراز در روزگار او دوران صعود مکتب نگارگری را تجربه کرد (آژند، ۱۳۹۳). پدیداری و تولید نسخه‌نگاری زیاد، آن هم در فاصله زمانی محدود (۸۱۷-۸۱۱ هـ.)، حاکی از علاقه و همیاری اسکندرسلطان با هنرها بود. ورود او به مخالفت و تضاد با عمویش شاهرخ، صحنه را برگرداند و تمامی اخگرهای آن آتش حمایت از هنرها را به یکباره، فرونشاند و خود اسکندرسلطان هم از صحنه خارج شد و جای خود را به پسر عموی خود ابراهیم سلطان (۸۳۸-۸۱۷ هـ.) داد. ابراهیم سلطان نیز همچون برادران خود بایسنقرمیرزا، الغ بیگ و محمد جوکی، در ابداعات هنری و توسعه هنرها به کمال کوشید و تأثیر کامل خود را در مکتب شیراز اعمال کرد و گزینش هنرمندان برجسته‌ای چون خواجه نصیرالدین محمد مذهب، سلیقه‌ای به کمال از خود نشان داد و آثار تولید شده در این روزگار، گواهان آشکار او در بسط و گسترش هنرها بود. هنگامی که پیربوداق، فرزند جهان‌شاه قراقویونلو، که خود دل در گرو هنرها داشت و از دست‌پرورده‌های مکتب آل جلایر در دوره سلطان احمد بود، حاکم شیراز شد، در مدت کوتاهی که حکمرانی داشت، برخط تحول و پیشرفت هنرها افزود و دوره تازه‌ای از مکتب شیراز را فراز آورد که کارمایه جدید و تنوعی بی حد داشت و مانوس‌ترین شیوه مکتب ترکمان را پدیدار ساخت.

۱- پیربوداق: پدیدآورنده شیوه

سواحل خلیج فارس مبادرت ورزید و یزد را نیز به قلمرو خود افزود و اندکی بعد کرمان را بدست گرفت (احمدبن حسین، ۱۳۴۵، ۲۷۴). جهان‌شاه در سال ۸۶۲ هـ. وارد هرات شد و برای مقابله با امیرسعید تیموری از پیربوداق کمک خواست. پیربوداق به یاری پدر شتافت. در جنگ با ابوسعید چندان توفیق نیافت (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۷۵) و به اردوی پدر برگشت. جهان‌شاه به دلیل ناامنی در آذربایجان و با کنار آمدن با ابوسعید تیموری به آذربایجان برگشت و پیربوداق هم به شیراز آمد. در این سفر از قرار معلوم بعضی از آثار هنری مکتب هرات از جمله خمسه ناتمام بابرمیرزا تیموری را با خود به شیراز آورد. شماری

پیربوداق فرزند جهان‌شاه را می‌توان بنیان‌گذار شیوه شیراز مکتب ترکمان دانست. ابوالفتح میرزا ملقب به عضالدوله والدین فرزند ارشد جهان‌شاه بود. وی در سال ۸۵۲ هـ. از طرف جهان‌شاه حاکم شیراز شد (غیاتی، ۱۹۷۵، ۲۸۸ و ۳۰۵). در سال ۸۵۷ هـ. همراه تنی چند از امیران قراقویونلو برای تصرف اصفهان و شیراز اعزام شد در اندک مدتی نواحی مرکزی ایران را به تصرف خود درآورد (طهرانی، ۱۳۵۶، ۳۲۶؛ روملو، ۱۳۴۹، ۳۲۳). پیربوداق در اواخر شعبان ۸۵۷ هـ. شیراز را فراچنگ آورد و جهان‌شاه در همین سال او را حاکم شیراز قرار داد (سخاوی، ۱۳۵۳، ۲). پیربوداق به تصرف خوزستان و لارستان و

که به صفا و فصاحت آوازه داشت (اسکندربیک منشی، ۱۳۵۰، ج ۱، ۳۴). پیربوداق هنگامی که در یزد اقامت داشت، احمد بن حسین کاتب یزدی، کتاب تاریخ جدید یزد را به او تقدیم کرد (جلالی، ۱۳۸۵، ۱۲۱). مدت حکومت او در شیراز حدود نه سال بود.

۲- نسخه نگاره‌های دوره پیربوداق

پیش‌تراشاره شد که پیربوداق در شیراز، شیخ محمود هروی کاتب را کلانتر کتابخانه خود کرد. پیداست که در این زمان، خواجه نصیرالدین محمد مذهب که کلانتر کتابخانه ابراهیم سلطان در شیراز بود، فوت کرده بود. شیخ محمود همراه پیربوداق از هرات به شیراز آمد. او از شاگردان جعفر بایسنقری بود و در خطوط سته و نستعلیق مهارتی کامل داشت (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۳-۴، ۸۹۱ و ۸۷۳). بنظر می‌رسد که شیخ محمود مدت هفت سال برای پیربوداق کار کرده و سپس همراه او به بغداد و بعدها به تبریز رفته است چون بعدها سراغ او را در کتابخانه سلطان یعقوب آق قویونلوها در تبریز داریم که مشغول کتابت بوده است و عرض حالی از او در تویقایی سرای موجود است که خطاب به سلطان یعقوب نوشته است (همان، ۸۹۲). واقعیت اینست که انتقال قدرت از تیموریان به قراقویونلوها در شیراز در سال ۸۵۶ هـ. بدون درگیری‌های خونین صورت گرفت؛ از این رو کارگاه‌های هنری شیراز دست نخورده به دست پیربوداق افتاد و او به حمایت از هنرمندان پرداخت. این حمایت از نسخه‌های به جا مانده از این دوره، کاملاً پیداست. مخصوصاً آمدن هنرمندان از هرات به شیراز به غنای نگارگری و تذهیب و کتابت آن افزود. از نسخه‌های به جا مانده از دوره پیربوداق، پیش از همه، دو نسخه یادکردنی است. اولی نسخه دیوان کاتبی است با کتابت عبدالرحمن خوارزمی به تاریخ ۸۶۰ هـ (در تویقایی سرای به شماره ۱۹۹۶۷ TIEM)، و دومی نسخه دیوان قاسم با کتابت شیخ محمود پیربوداقی به تاریخ ۸۶۳ هـ؛ این دو نسخه، فاقد نگاره و در بردارنده شمسه جلد و تذهیب غنی است (Turks, 2005, 212 & 250). دیوان کاتبی، نشان از تداوم سنت‌های نگارگری تیموریان

از شاعران و کاتبان و نقاشان هرات از جمله مولانا ولی قلندر، شیخ محمود هروی کاتب، درویش محمد نقاش، شیخی نقاش و غیره هم با او به شیراز آمدند (علیشیرنویایی، ۱۳۶۳، ۴۰).

پیربوداق هنگام حکمرانی در شیراز، هنرمندان مکتب شیراز دوره تیموری را در کنف حمایت خود گرفت و شیخ محمود هروی را کلانتر کارگاه هنری خود قرار داد (بلر، ۱۳۹۶، ۳۲۸). با پشتیبانی او چند نسخه نگاره تولید شد که ویژگی‌های شیوه شیراز مکتب ترکمان را نشان می‌دهند. از اینها گذشته، او دستور داد تا برج و باروی شیراز مرمت و تجدید بنا شود (فسایی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۳۴۷؛ ج ۲، ۲۹۰). پس از تحکیم قدرت خود در منطقه، به مخالفت با پدر برخاست و از متابعت او سربرتاقت. جهان‌شاه تلاش کرد تا فرزندش را با مکاتبه از طغیان بازدارد ولی در تلاش خود ناکام ماند و به ناچار در سال ۸۶۵ هـ. برای دفع او به شیراز لشکر کشید. پیربوداق که در مقابل پدر تاب مقاومت نداشت، با میانجی‌گری مادرش خاتون جان بیگم دست از تمرد کشید و در سال ۸۶۶ هـ. جهان‌شاه او را از شیراز به بغداد فرستاد (غفاری، ۱۳۴۳، ۲۵۰؛ پیربوداق منشی، ۱۳۷۸، ۶۸-۶۷).

پیربوداق در بغداد هم آرام ننشست و سر به طغیان برداشت که نتیجه آن قتل وی در سال ۸۶۹ هـ. بود. پیکر او را در بغداد به خاک سپردند (گازرگاهی، ۱۳۷۵، ۳۲۱). مرگ پیربوداق ضربه هولناکی بر پیکر حکومت قراقویونلوها وارد کرد و آن را به قهقرا برد (واله اصفهانی، ۱۳۷۱، ۷۱۲ و نه‌اوندی، ۱۹۲۶، ۴۵). با مرگ او راه برای پیشروی آق قویونلوها در بغداد هموار شد.

گرچه منابع از تندخویی و بدسری و بدرفتاری پیربوداق صحبت می‌دارند (غیائی، ۱۹۷۵، ۳۲۵؛ عززوی، ۱۹۳۹، ج ۳، ۱۷۳)، ولی حمایت او از هنرها و ادب و فرهنگ، این صفات او را در سایه قرار داده است. پیربوداق طبع شعر داشت و در شعر، «بوداغ» (شاخه) تخلص می‌کرد. دولت‌شاه سمرقندی و فخری هروی، نمونه‌هایی از شعر او را به هنگام محاصره بغداد و مکاتبه با پدر، ثبت کرده‌اند (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶، ۳۴۴ و ۳۴۵؛ فخری، ۱۳۴۵، ۶۷). مولانا عبدالله طوسی از شاعران این دوره، ممدوح پیربوداق و تحت عنایت او بود (صفا، ۱۳۶۳، ج ۴، ۴۵۸). او در بغداد باغی ساخت



تصویرا - مهر پیربوداق، یشم سبز.

ماخذ: (سودآور، ۱۳۸۰، ۱۲۹)

یک نسخه دیگر مجموعه یا گلچینی از ترجیعات سرکاری محفوظ در کتابخانه شورای اسلامی با شماره ۹۹۷۰ است. این نسخه برای پیربوداق در شوشتر و بغداد تهیه شده است. هفت نفر از کاتبان معروف آن را برای وی کتابت کرده‌اند: عبدالرحمن خوارزمی، شیخ محمود پیربوداقی، فخرالدین احمد کاتب، سلطان محمد مشهدی، میرشرف الدین حسین مشهدی، محمودبن محمد خماری (محمدخماری) و میرک شیرازی.

در این مجموعه، آثاری از سعدی، سلمان ساوجی، خواجوی کرمانی، ناصربخارایی، فضل‌الله استرآبادی، عمادالدین نسیمی، محمدشیرین مغربی، امیرمخدوم، همادالدین گلباری، خواجه عماد، عبیدزاکانی، اشرف جامی، اوحدی مراغه‌ای و فخرالدین عراقی آمده است. کتابت آن در سال ۸۹۶ هـ. به پایان رسیده است (یوشیفاساسه کی، ۱۳۸۸، ۱۷۶-۱۳۷). یک نسخه دیگر خمسه نظامی بابر میرزا بود که ناتمام به دست پیربوداق افتاد و وی اتمام آن را به هنرمندان کارگاه خود سفارش کرد ولی باز ناتمام باقی ماند. در این مورد بعداً بحث خواهد شد.

گفتنی است که در نگاره‌های دوره پیربوداق، رنگ‌بندی درخشان به‌ویژه در اجرای صخره‌ها و کوه‌ها، جلوه‌ای خاص دارد. پیکرلباس ترکمانی در بردارند و به‌ویژه زنان با سربند ترکمانی شاخص‌ترند. گاهی درشت اندام و گاهی باریک هستند و چهره‌های بچگانه دارند. نگاره‌های شیوه شیراز ترکمان در دوره پیربوداق در قیاس با نگاره‌های مکتب هرات که شکل عمودی دارند، متمایل به شکل مربع‌واقی‌اند. در آنها دستاوردهای درهم پیچیده و پاهای کوچک چشمگیرند. از دیگر آثار مربوط به دوره پیربوداق، آثار زیر یادکردنی است.

- خمسه نظامی به تاریخ ۲۶ شعبان ۸۵۷ با کتابت عماد خباز ابرقوهی و عبدالرحمن خوارزمی دارای ۲۰ نگاره و محفوظ در توپقاپی سرای استانبول، H.779 (گری، ۱۳۷۶، ۲۴۵).

- خمسه نظامی حدود سال‌های ۸۵۴ تا ۸۶۴ هـ. دارای ۲۱ نگاره محفوظ در رویال آسیاتیک سوسایتی به شماره ۲۴۶ (Robinson, 1967, 29).
- خمسه نظامی سال‌های ۴۷-۸۴۴ هـ. با ۴۱ نگاره محفوظ در استانبول (Ts, Revan, 862)، سچوکی، ۱۹۶۹، ۱۳-۳).
- شاهنامه فردوسی، کتابت در سال ۸۶۱ و کاتب آن محمودبن محمود جمالی، دارای ۵۴ نگاره با شیوه شیراز مکتب ترکمان و متعلق به مجموعه صدرالدین آقاخان در جنوا (Robinson, 1952, 10, 12).

۳- سلطان خلیل: تداوم بخش شیوه

سلطان خلیل فرزند اوزون حسن آق قویونلوها، از سال ۸۷۵ تا ۸۸۳ هـ. حدود ۷ سال در شیراز حکومت کرد. پس از فوت اوزون حسن، سلطان خلیل از شیراز به تبریز آمد و به جای او نشست و برادرش یعقوب را حاکم دیار بکر کرد. یعقوب بیک برادرش شورید و در جنگی در تاریخ ۱۴ ربیع الآخر ۸۸۳، بروی پیروز شد و به سلطنت رسید. جلال‌الدین دوانی در کتاب خود عرض لشکر، سلطان خلیل را با لقب «حضرت سلیمانی، سلیمان مکانی» می‌نامد. علی فرزند

در روزگار پیربوداق است. گفته می‌شود که عبدالرحمن خوارزمی، پیش‌تر در کارگاه ابراهیم سلطان کار می‌کرده و یک خمسه نظامی به خط او در دست است که وی آن را در سال ۸۳۹ هـ. یعنی یک سال پس از مرگ ابراهیم سلطان کتابت کرده و نگاره‌های آن به سبک مکتب شیراز دوره تیموری است (محفوظ در کتابخانه بریتانیا به شماره 12856 or). دومین نسخه کتابت وی باز یک خمسه نظامی به سال‌های ۸۴۳-۵۷ هـ. است که بخش اول آن را در سال ۸۴۳ هـ. کتابت کرده، و پاره دوم آن را در سال ۸۵۷ هـ. یعنی سال ورود پیربوداق به شیراز کامل کرده است (محفوظ در کتابخانه توپقاپی سرای استانبول، شماره H.779).

چهارمین نسخه با کتابت عبدالرحمن خوارزمی یک خمسه نظامی دیگر موجود در کتابخانه توپقاپی سرای استانبول با شماره H.773 است که انجامه آن دارای سه تاریخ است: رجب ۸۶۴؛ شعبان ۸۶۴ و ربیع الاول ۸۶۵. از تاریخ آخری پیداست که کتابت این اثر در شیراز شروع شده و در بغداد به اتمام رسیده است (Uluc, 2006, 65). آخرین نسخه شناخته شده عبدالرحمن خوارزمی، یک نسخه گلچین به سال ۸۶۶ هـ. است که در دارالسلام بغداد کتابت شده و پیداست که وی تحت حمایت پیربوداق از شیراز به بغداد سفر کرده است (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۲-۱، ۸۱-۳۷۸).

گفتنی است که در دوره پیربوداق، آثار و شیوه تیموری مکتب شیراز به تدریج محو شده و ویژگی‌های شیوه شیراز ترکمن چهره نموده است. این شیوه در دو نسخه پیش‌تر ظاهر می‌شود که هر دو به بغداد دوره پیربوداق تعلق دارد: یکی خمسه سال ۸۶۷ هـ. از امیر خسرو دهلوی (توپقاپی سرای، 1021.TSR)، و دیگری نسخه دیوان جمالی به سال ۸۷۰ هـ. در کتابخانه ایندیا آفیس. نگاره‌های هر دو نسخه، نشان‌دهنده سبکی است که از مکتب هرات الهام گرفته ولی پیشرفته می‌نماید. مثلاً سه تا از نگاره‌های دیوان جمالی با تأثیرپذیری از سبک بهزاد کار شده است. احتمال دارد این نگاره‌ها، کار درویش محمد از شاگردان بهزاد بوده باشد. از شیوه شیراز مکتب ترکمان در دوره پیربوداق آثاری باقیمانده که نگاره ندارند ولی در بردارنده تذهیبی غنی و پرمایه هستند. این نسخه‌ها عبارتند از: ۱- نسخه‌ای بدون عنوان کتابت در تاریخ ۸۶۰ هـ. بوسیله عبدالرحمن خوارزمی برای پیربوداق (استانبول، شماره ۱۵۶۲ موزه اوقاف). ۲- دیوان حافظ با کتابت شیخ محمود پیربوداقی در شیراز به سال ۸۶۴ هـ. (کتابخانه بریتانیا، 11896 or). ۳- نسخه مجموعه رسایل با کتابت شیخ محمود در شیراز به تاریخ ۸۶۴ هـ. برای پیربوداق (کتابخانه چستریتی، نسخه شماره ۱۳۴). ۴- رباعیات خیام با کتابت شیخ محمود در شیراز به سال ۸۶۵ هـ. برای پیربوداق (کتابخانه بادیان، 140 ousely). گفتنی است که فیتزجرالد از این نسخه برای ترجمه رباعیات خیام استفاده کرده است. ۵- دیوان حافظ با کتابت شیخ محمود به سال ۸۷۰ هـ. در بغداد برای پیربوداق (استانبول، 1015.TS, H.). ۶- قرآن پیربوداق موجود در موزه هنرهای ترکی و اسلامی، استانبول. ۷- نسخه مهرومشتتری موجود در کتابخانه ملی پاریس (BN, supplement, persane 1964).

مولانا ظهیرالدین اظهر، کاتب اولیه آن بود. این خمسه به پایان نرسیده به دست پیربوداق افتاد. پیربوداق آن را به شیراز آورد و به کاتبان سپرد تا کار کتابت و نسخه‌آرایی آن را به اتمام برسانند. اما او نیز «از این جام به کام نرسیده، رخت هستی به سرمزل نیستی کشید» و این نسخه به دست سلطان خلیل افتاد. سلطان خلیل این نسخه را به مولانا انیسی کاتب برجسته مکتب ترکمان سپرد تا کار را یکسره کند و تصویرسازی آن را به استاد شیخی و درویش محمد واگذار کرد. هنرمندان یاد شده در اتمام این نسخه کوشیدند ولی چندی برنیامد که سلطان خلیل نیز در جنگال مرگ گرفتار شد و «قدم به صحرای عدم رنجه کرد» و نسخه خمسه نظامی به دست سلطان یعقوب افتاد. باز ناتمام ماند و در اختیار شاه اسماعیل قرار گرفت و به سفارش او این نسخه به اتمام رسید و نگاره‌هایی با شیوه صفوی، بدان‌ها افزوده شد (Thackston, 2001, 50). این نسخه نگاره امروزه با شماره H.762 در موزه توطقایی سرای استانبول نگهداری می‌شود. این خمسه، ده نگاره از شیخی و درویش محمد دارد و ۹ نگاره هم در اوایل دوره شاه اسماعیل بدان افزوده شده است. بعید نیست سلطان محمد هم در نگاره‌های دوره شاه اسماعیل این خمسه مشارکت داشته است. پیداست که شیخی و درویش محمد، هنرمندان اصلی آن هستند و عبدالرحیم یعقوبی معروف به انیسی، کاتب بخش‌های مهم آن است. دومین نسخه‌ای که متعلق به دوره سلطان خلیل است، نسخه خاوران نامه ابن حسام خوسفی است (دکا، ۱۳۴۳، ۲۹-۱۷). این نسخه، ۱۵۵ نگاره دارد و بعضی نگاره‌های آن کنده شده و در کتابخانه چستربیتی (با شماره ۲۹۳) و جاهای دیگر نگهداری می‌شود. بعضی از نگاره‌ها تاریخ‌گذاری شده و نام نگارگر یعنی فرهاد را دارد. خاوران نامه، یک اثر حماسی راجع به اعمال و کردار امیرالمومنین علی «ع» است. این نسخه نگاره پیش‌تر در موزه هنرهای تزئینی بود که وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی آن را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرد. در نگاره‌های خاوران نامه، شیوه شیراز مکتب ترکمان پیشرفته و متحول شده و از

سلطان خلیل هم کتیبه‌هایی در تخت جمشید از خود به یادگار گذاشت و در آن از عنوان «ملک سلیمانی» بهره گرفت. این کتیبه تاریخ ۸۸۱ هـ. دارد و در آن نام علی بن سلطان خلیل بن سلطان حسن آمده است (ملیکیان شروانی، ۱۹۷۱، ۵-۳۴). نام سلیمان در مقام حکمرانی آرمانی در بعضی از نگاره‌های مکتب شیراز چهره نموده است. جلال‌الدین دوانی، فقیه و شاعر و نویسنده قرن نهم هجری به دربار سلطان خلیل رفت و آمد داشت. او در رساله عرض لشکر خود، تصویری گویا از میدان مشق سلطان خلیل در نزدیکی بندامیر به سال ۸۸۰ هـ. ارائه می‌دهد و فهرستی از فرماندهان نظامی و نظامیان فارس را در این سال ثبت می‌کند. دوانی دربار محلی سلطان خلیل را وصف می‌کند و شمار کاتبان و اهل قلم دربار او را ۳۶۰ نفر و عمده کتابخانه همایونی را ۵۸ نفر می‌نویسد (Mi-moresky, 1938-42, 159-60).

افزون بر این، دوانی اخلاق جلالی خود را به درخواست سلطان خلیل برای پدر او اوزون حسن تألیف کرد و عشق و علاقه وی را به کتاب و کتاب‌آرایی ستود. می‌نویسد که سلطان خلیل به رغم جوانی، در لابلای کتاب‌ها به دنبال حقایق علمی، نوادر فلسفی و داستان‌های واقعی شاهان است (Ibid, 171, 191).

سلطان خلیل پس از مرگ اوزون حسن، چندان دوام نیاورد و در جنگ با برادرش به قتل رسید. سلطان خلیل را باید یکی از کتاب‌دوستان و ادب‌پروران تاریخ ایران دانست که چندان شناخته نشده است. در مدت کوتاه حکمرانی او بر شیراز، شیوه شیراز ترکمان تحولی در خور یافت و آثاری ماندگار تولید کرد که ویژگی‌های این شیوه را در خود بازتاب داد.

۴- نسخه نگاره‌های دوره سلطان خلیل

پیش‌تر اشاره شد که یکی از نسخه‌هایی که از دوره پیربوداق به دست سلطان خلیل افتاد، نسخه خمسه نظامی بابرمیرزا بود.



تصویر ۲- بوستان سعدی، کاتب عبدالرحمن خوارزمی. ماخذ: (سودآور، ۱۳۸۰، ۱۳۶)

خطوط کل چهره‌ها، موی سر و اندام‌هاست. در این سبک، پیکرها عموماً نحیف و کوچک هستند و توان فوق‌العاده‌ای را به نمایش می‌گذارند. طراحی این سبک روی هم رفته روشن‌تر و شفاف‌تر است. از سال ۸۸۰ هـ. به بعد، بیشترین نسخه‌ها را مرشدالدین کاتب و سایر کاتبان شیراز کتابت کرده‌اند.

از آثار دیگر دوره سلطان خلیل، دیوان هدایت‌الله به تاریخ ۸۸۳ هـ. که به سلطان خلیل اهدا شده است و در بردارنده شیوه شیراز مکتب ترکمان است محفوظ در کتابخانه چستربیتی به شماره 401 Turk، دابلین (Robinson, 1967, 126). خمسه نظامی، کتابت در ۵ ذوالقعدة ۸۸۶ هـ و کتابت آن درویش محمدتقی، در بردارنده ۴۵ نگاره، محفوظ در کتابخانه عمومی، Dorn 338، سن پترزبورگ.

هنرمندان

شیراز را در متون، همواره با صفت دارالعلم و پایگاه و کانون صوفیه نامیده‌اند. طریقت‌های کبرویه و مرشدیه و بالاتراز همه طریقت ابواسحاق کازرونی، سهمی در خور در قلمرو فرهنگی و مذهبی شیراز داشتند. هنگامی که جلال‌الدین دوانی، فقیه، شاعر و ادیب سده نهم هجری، کتاب عرض لشکر (کتابخانه حیدریه استانبول، نسخه خطی شماره ۱۴۳۸) خود را می‌نوشت، سلطان خلیل در شیراز حاکم بود. وی ارادتی خاص به سلطان خلیل داشت چون او را جوانی دوست دار علم و ادب و کتاب و حامی هنرمندان یافته بود. دوانی شمار نویسندگان و اهل قلم دربار سلطان خلیل را ۳۶۰ نفر و شمار عمده کتابخانه همایونی را ۵۸ نفر می‌نویسد (مینورسکی، ۱۹۳۶، ۱۵۹-۶). تعدادی از این هنرمندان از لابلای متون و ارقام آنها برپای

اصلاتی در خور برخوردار است. نمونه‌های پیشین در مورد نگاره‌های این نسخه موجود نیست. این نگاره‌ها در قیاس با نگاره‌های دیگر شیوه شیراز، اندازه‌ای بزرگ دارند و با اجرایی دقیق و محکم کار شده‌اند. فرهاد از هنرمندانی است که نام خود را در بعضی از آثار رقم زده است و پیداست در کارگاه هنری سلطان منزلیتی خاص داشته است. بعید نیست که کتاب‌آرایی این اثر در زمان پیربوداق که دارای گرایش‌های شیعیانه بود، شروع شده و در زمان سلطان خلیل به اتمام رسیده باشد. نگاره‌های آن ۸*۷ اینچ طول و عرض دارند و اندازه پیکره‌های آن اینچ است (Robinson, 1958, 27).

یک خمسه نظامی دیگر محفوظ در کتابخانه بادلیان با شماره MS.Elliot 194 موجود است که در حدود ۸۸۵ هـ. در شیراز کتابت و تصویرپردازی شده است. نگاره‌های آن با شیوه شیراز مکتب ترکمان اجرا شده مگر چهار نگاره که به نظر می‌رسد در شهری غیر از شیراز کار شده باشد. هر یک از مثنوی‌ها دارای سرلوح مذهب است و کلاً سیزده نگاره دارد (Ibid, 30).

گفتنی است که در زمان سلطان خلیل، سبکی خاص در کاربرد رنگ در نگاره‌ها شکل گرفت که به سبک کومرال^۱ یعنی قهوه‌ای خام معروف شد (رایبسن، ۱۳۸۴، ۳۹). نگاره‌های این سبک، اجرایی دقیق و مهذب دارند و بیشتر خاص دوره آق‌قویونلوهاست. نسخه‌های این سبک بیشتر متعلق به دهه ۸۸۰ هـ. یعنی پس از حکومت سلطان خلیل در شیراز است. البته از نظر کیفیت، نازل‌تر از نسخه‌هایی هستند که در زمان سلطان خلیل تولید شده‌اند و پیداست که ویژگی‌های بازاری و تجاری بر آنها حاکم است. بعدها نسخه جمال و جلال آصفی، از تأثیر این سبک به دور نماند. در این سبک، بهره‌گیری از رنگ قهوه‌ای تند در مقابل سیاه و ارغوانی، برای



تصویر ۴- نقاشی دیواری قصر خورنق، خمسه نظامی، حدود سال ۸۷۲ هجری. ماخذ: (سودآور، ۱۳۸۰، ۱۳۸)



تصویر ۳- برگی از خاوران نامه، کار فرهاد. ماخذ: (سودآور، ۱۳۸۰، ۱۳۸)

شیوه شیراز که نام آنها در نسخه‌پردازی‌های این دوره ثبت شده، کاتبان زیر یادکردنی هستند: محمودبن محمودجمالی، عماد خباز ابرقوهی، فخرالدین احمدکاتب، محمودبن محمدخماری، سلطان محمد مشهدی، میرشرف‌الدین حسین مشهدی، میرک شیرازی، درویش محمدتقی و مرشدالدین کاتب.

ویژگی‌های شیوه شیراز مکتب ترکمان

ویژگی تجاری مکتب شیراز با شیوه دلنشین کتاب‌آرایی دوره سلطان خلیل در هم آمیخت و شیوه‌ای شاهانه پدید آورد که از خصوصیات آن، مبالغه‌میلخ در کشیدگی اندام پیکرها، بهره‌گیری بسیار از طلافشان‌ی و تزیین رو‌نگارانه‌ها بود. در حقیقت آرایش پرمایه و رونگارانه این شیوه، شباهت زیادی به صفحات تذهیب داشت و نشان می‌داد که در تولید آنها، گروهی از نقاشان مذهب یا مذهب‌ان نقاش دست داشتند. شاید مهم‌ترین دلیل این مساله را بتوان در رقم هنرمند *خمسه نظامی* تاریخ ۹۱۸ (TSMK H.770) یافت که خود را سعدالدین مذهب نامیده است (Uluç, 2006, 85-87). این هنرمند پیش از آن که این نسخه را تصویرپردازی کند، همواره خود را مذهب می‌نامید و پیداست که مشغله اولیه وی، تذهیب کتاب بوده است نه تصویرپردازی. از اینجاست که مجموعه رنگ‌های این شیوه، غنی و پرمایه است ولی گاه هماهنگی و ریتم خود را از دست می‌دهد و تنها در پی جلوه‌های رونگارانه است. در ترکیب‌بندی‌ها، تأثیرات نگارگری مکتب تبریز و گاه هرات در آن محسوس است. در منظره‌پردازی‌ها هم از نوعی پیش‌طرح سنتی و قراردادی استفاده می‌شود، کوه‌پردازی‌ها با خطوط کناره‌نمای صخره‌ها، بوته‌ها و شاخ و برگ‌ها چشمگیر است. علاقه به ایجاز در روایت داستان‌ها و تجمع پیکره‌ها از ویژگی‌های این شیوه است حتی ریزه‌کاری و دقیقه‌پردازی، ترکیب‌بندی آنها را از حصول انسجام دور کرده است. پیش‌تراز رواج رنگ‌بندی قهوه‌ای فام صحبت شد که در شماری از نگاره‌های شیوه شیراز مکتب ترکمان راه یافت تا آنجا که چاغمن و وزن تانیندی، آن را شیوه کومرال «قهوه‌ای فام» نامیدند (اصطلاح کومرال در ترکی به افرادی اطلاق می‌شود که موی سر قهوه‌ای فام و یا بلوند دارند). دلیل اطلاق این عنوان به نگاره‌های ترکمان، بهره‌گیری از رنگ قهوه‌ای تند در تقابل با سیاه و ارغوانی در خطوط کلی چهره‌ها، موی سر و شکم پیکره‌ها بود. پیکره‌ها عموماً نحیف‌تر و ریزتر شده و در عین حال قدرت و انرژی زیاد را جلوه‌گر می‌سازند. طراحی‌ها شفاف‌تر و روشن‌تر و گل‌ها و بوته‌ها درهم تنیده‌اند. این خصوصیات را می‌توان در نگاره‌های *خمسه نظامی* سال ۸۲۴ هـ. (کتابخانه بریتانیا، نسخ خطی شرقی، شماره ۱۲۰۸۷) مکتب هرات و *خمسه نظامی چستریبتی* (نسخه شماره ۱۳۷) مربوط به تاریخ ۸۶۸ هـ. پیدا کرد. این رویکرد، بیشتر در نسخه‌های خطی دوره سلطان خلیل به چشم می‌خورد و به ویژه در نگاره‌های *خمسه نظامی* شماره H.772 تویقایی سرای در سال ۸۶۵ هـ. دیده می‌شود (رایبسن، ۱۳۸۴، ۳۹). شاید بتوان نمونه والای این رنگ‌بندی را، در خاوران نامه ابن حسام هم مشاهده کرد.

آثار هنری بر ما شناخته شده است. از خطاطان، عبدالرحمن خوارزمی و فرزندان او عبدالرحیم خوارزمی معروف به انیسی و عبدالکریم خوارزمی، شیخ محمود هروی رییس کتابخانه پیربوداق و از نقاشان، شیخی و درویش محمد هروی در زمره کارکنان کتابخانه همایونی سلطان خلیل بوده‌اند. عبدالرحمن خوارزمی در دوره سلطان ابراهیم تیموری وارد خدمت او شده بود و نسخه‌ای به سال ۸۳۹ هـ. یعنی یک سال پس از فوت ابراهیم سلطان از او در دست است که در شیراز کتابت کرده است. به نظر می‌رسد فرزندان او عبدالرحیم و عبدالکریم، بعدها همراه پیربوداق به شیراز آمده‌اند چنانکه شیخ محمود هروی و شیخی و درویش محمد هم در معیت پیربوداق به شیراز آمده‌اند و بعدها که سلطان خلیل آق‌قویونلو، حکومت شیراز را در اختیار گرفته، جزو کارکنان و عمله کتابخانه همایونی او شده‌اند و در شیراز به کار پرداخته‌اند.

هنگامی که سلطان خلیل، پس از مرگ پدر در سال ۸۸۳ هجری به تبریز رفت و بر تخت سلطنت آق‌قویونلوها تکیه زد، جملگی این هنرمندان به تبریز مهاجرت کردند و در کتابخانه سلطنتی آق‌قویونلوها به تولید آثار هنری پرداختند. در دوره سلطان ابراهیم تیموری، کلانتر و رییس کتابخانه سلطنتی او، مولانا نصیرالدین محمد مذهب بود (اژند، ۱۳۹۳، ۱۸۱-۱۸۴). معلوم نیست که مولانا نصیرالدین محمد در روزگار ترکمان فعال بوده و یا دارفانی را وداع گفته، چون در متون، نامی از او ذکر نمی‌شود. از هنرمندان دیگر شیوه شیراز مکتب ترکمان، سعدالدین مذهب و فرهاد است که نام هر دو در نسخه‌های خطی ثبت است. فرهاد همان نقاشی است که خاوران نامه ابن حسام را نگارگری کرده است و سعدالدین مذهب هم علاوه بر تذهیب، در تصویرپردازی دست داشته است. از دیگر هنرمندان



تصویر ۵- معراج پیامبر، *خمسه نظامی*، تبریز، سال ۹۱۱ هجری. ماخذ: کورکیان و سیکر، ۱۳۸۷، لوحه ۲۹

نتیجه

و پیکره‌های ترکمان نما و علاقه به داستان‌های عاشقانه و عامیانه از خصوصیات آن بود و دیگری تأثیراتی بود که با حضور هنرمندان مکتب هرات در شیراز پدیدار شد و این تأثیرات در کتابت و نگارگری و حتی تذهیب خود را نشان داد. بدین سان شیوه شیراز مکتب ترکمان، آمیزه‌ای از تأثیرات و عناصر پیشین مکتب شیراز و عناصر مکتب هرات و خصوصیات زندگی ترکمان گردید و این سه عنصر شیوه شیراز مکتب ترکمان، پس از درهم تنیدگی، به صورت یکپارچه و یکدست وارد تبریز دوره سلطان یعقوب گردید و با ویژگی‌های شیوه تبریز مکتب ترکمان درآمیخت و زمینه را برای پیدایی و تکامل مکتب نگارگری تبریز دوره صفوی هموار کرد.

پیش از شکل‌گیری شیوه شیراز مکتب ترکمان، در شیراز شیوه‌ای از نگارگری وجود داشت که حاصل تعامل هنری دوره آل اینجو و آل مظفر و تیموریان بود. این شیوه به مرحله‌ای از تعادل هنری دست یافته بود و با حضور هنرمندانی چون نصیرالدین محمد مذهب که ریاست کتابخانه ابراهیم سلطان را نیز به عهده داشت، به‌ویژه به لحاظ تذهیب و نسخه‌آرایی، پرمایه و غنی شده بود و نگاره‌های آن هم با بهره‌گیری از پیکره‌های ایرانی، تأثیرات پیرامونی را پالوده بود. با ورود ترکمانان به شیراز به‌ویژه با حضور پیربوداق، دو عنصر دیگر وارد مکتب شیراز گردید که یکی تأثیرات طرز زندگی ترکمانان بود که کلاً با طرز زندگی ایرانیان منافات داشت و صحنه‌آرایی‌های طبیعی

پی‌نوشت

1 Kumral.

فهرست منابع

- فخری هروی، محمد (۱۳۴۵)، *روضه السلاطین*، به کوشش عبدالرسول خیامپور، دانشگاه تبریز، تبریز.
- فسایی، حسن (۱۳۶۷)، *فارسنامه ناصری*، جلد ۲، به کوشش منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران.
- کورکیان و سیکر (۱۳۸۷)، *باغ‌های خیال*، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزانه روز، تهران.
- گازرگاهی، حسین (۱۳۷۵)، *مجالس العشاق*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران.
- گری، بازیل (۱۳۷۶)، *نقاشی ایران*، ترجمه عربعلی شروه، چاپ میراث ملل، تهران.
- نهایندی، عبدالباقی (۱۹۲۶ م)، *مآثر رحیمی*، به کوشش محمد هدایت حسین، بی‌نا، کلکته.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۱)، *خلدبرین*، به کوشش هاشم محدث، میراث مکتوب، تهران.
- یوشیفاساسه کی (۱۳۸۸)، *مجموعه ترجیعات سرکاری*، نامه بهارستان، دفتر ۱۵، صص ۷۶-۱۳۷.
- Gray, B (1976), *the Art of the Book in Central Asia*, Unesco Press, Paris
- Melikian-Chirvani (1971), *Royaume De Salomon...*, *Le Monde Ira-nien L'islam*, PP.1-41.
- Robinson, B (1958), *A Descriptive Catalogue Of Persian Painting In The Bodelian Library*, Oxford University Press, Oxford.
- Robinson, B (1967), *Persian Miniature Painting from collection of British Isle*, Victoria and Albert Museum, London.
- Minorskiv, V (1938-42), *A civil and military Review in Fars in 881/1476*, *BSOAS*, 10, PP.141-78.
- Stchoukine, V (1969), *Un Manuscrit illustre de la bibliotique de Muhammad II Fatih*, *Ars Asiatique*, 19, PP.3-9.
- Stchoukine, V (1972), *La Peinture A Baghdad Sous Sultan PirBudag*, *Ars Asiatique*, 25, PP.1-18.
- Thackston, W (2001), *Album Prefaces And Other Documents...*, Brill, Leiden.
- Turks (2005), *A Journey Of A Thousand Years, 600-1600*, ed. Roxburgh Royal Academic Of Art, London.
- Uluç, L (2006), *Turkman Governors, Shiraz Artisans and Ottoman Collectors*, Turkiye Bankasi, Istanbul.
- آزند، یعقوب (۱۳۹۳)، *مکتب نگارگری شیراز*، فرهنگستان هنر، تهران.
- احمدبن حسین کاتب یزدی (۱۳۴۵)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، تهران.
- اسکندربیک منشی (۱۳۵۰)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، جلد ۲، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، تهران.
- بلر، شیل (۱۳۹۶)، *خوشنویسی اسلامی*، ترجمه ولی الله کاووسی، فرهنگستان هنر، تهران.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، *احوال و آثار خوشنویسان*، جلد ۳ و ۴، دانشگاه تهران، تهران.
- پیربوداق منشی (۱۳۷۸)، *جواهرالخبار*، به کوشش محسن بهرام‌نژاد، میراث مکتوب، تهران.
- جلالی، نادره (۱۳۸۵)، *پیربوداق*، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایره المعارف، تهران.
- خواندمیر (۱۳۵۳)، *حبیب‌السیر*، جلد ۴، خیام، تهران.
- دولتشاه سمرقندی (۱۳۶۶)، *تذکره الشعرا*، به کوشش محمد رضائی، کلاله خاور، تهران.
- ذکا، یحیی (۱۳۴۲)، *خاوران نامه*، هنر و مردم، جلد ۲، صص ۲۹-۱۷.
- رابینسن، بازیل (۱۳۸۴)، *هنر نگارگری ایران*، ترجمه یعقوب آژند، مولی، تهران.
- روملو، حسن (۱۳۴۹)، *احسن‌التواریخ*، به کوشش عبدالحسین نوایی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- سرخاوی، محمد (۱۳۵۳ ق)، *الضوالامع*، جلد سوم، بی‌نا، قاهره.
- سودآور، ابوالعلا (۱۳۸۰)، *هنر دربارهای ایران*، ترجمه ناهید شمیرانی، کارنگ، تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۴، امیرکبیر، تهران.
- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶)، *تاریخ دیار بکریه*، به کوشش نجاتی لوغال وفاروق سومر، طهوری، تهران.
- عزاوی، عباس (۱۹۳۹ م)، *تاریخ العراقین بین احتلالین*، جلد ۳، بی‌نا، بغداد.
- علیشیرنوایی (۱۳۶۳)، *مجالس‌النفایس*، به کوشش علی اصغر حکمت، منوچهری، تهران.
- غفاری (۱۳۴۳)، *تاریخ جهان آرا*، به کوشش مجتبی مینوی، حافظ، تهران.
- غیائی، عبدالله (۱۹۷۵ م)، *التواریخ*، بی‌نا، بغداد.

Shiraz Style of Turkman Painting School

Yaghoub Azhand*

Professor, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received 14 Feb 2019, Accepted 29 Apr 2019)

This article is about Shiraz Style of Turkman painting School that assembled in the milieu of royal courts of PirBudaq AqQuyunlu and Sultan Khalil QaraQuyunlu. Shiraz remained an important center of Book Arts during the Turkman dominion. The transition from the Timurids to the Turkman governors was relatively peaceful. Despite basic similarities of form and intention, Shiraz Style was conceptualized in widely different ways. Over time the aesthetic conception of Shiraz Style underwent a dramatic change under Turkman governors. Although Shiraz Style of Turkman painting school preserve works of art that are often at some remove from normative Persianate visual culture (normativity defined through the Arts of the book and painting), the importance of Shiraz Style is not only its salvage of unique materials. The Shiraz Style opens a window onto a landscape thought about the history, artists and media of the Persianate art tradition. Because the accumulated processes of Shiraz Style constitute nothing less than an articulation of the principles of art aesthetics, it presents an opportunity to study such ideas from inside the artistic culture of Persian painting. After death of Baysunghur and his father Shahrukh, many artists and practitioners sought patronage at other courts or Iran, in Shiraz, Isfahan, and Tabriz, where they found willing patrons (among them PirBudaq in Shiraz and Yaqub Bey in Tabriz). The Timurid workshop's achievements were probably acquired by one Turkman confederation at a time when the city of Herat was captured, such as the occupation of Jahanshah in 862 H.; period of occupation might also for the mechanism by which other productions and artists of Herat found way from Herat to center

and western Iran, particularly Shiraz. For example, Shaikh Mahmud Heravi began his artistic life in Yimurid Herat and then came into Pir Budaq court, after the Qara Quyunlu occupied Herat in 862H.; the core group of materials in Turkman court comes from eastern Iran (Herat), but it is combined with large quantities of paintings, drawings, and calligraphers made by practitioners under Turkmans. Materials produced at Shiraz under Turkman dominion are identifiable through the honorifics appended to calligrapher's signatures. Pir Budaq must have found the workshops Shiraz painting school functioning, because the Shiraz style of Timurid era continued to be in the manuscripts of the 860 and 863H.; these two manuscripts produced for Pir Budaq. Each has a medallion (Shamsa) on its opening folio with inscriptions indicating that it was produced for Pir Budaq library (Kitabhana). The first is copy of divan of Katibi, copied by Abd al Rahman Kharwarazmi, dated 860H., and the second copy of the divan of Qasim copied by Shaikh Mahmud Pir Budaqi, dated 863H. Both have binding and illumination of the highest quality without any illustration. Since Sultan Khalil Aq Quyunlu was then governor of Shiraz, the Shiraz Style must have been completed, suggesting that Sultan Khalil had taken over Pir Budaq library (Kitabhana) in Shiraz.

Keywords

PirBudaq, Sultan Khalil, Kumral, Shiraz Style, Turkman Painting School.